



تفکری کودکانه داشته باشید

می‌شویم. گاهی اوقات حتی منتظر سکتی قلبی می‌مانیم تا از راه برسد!

تفکرات خود را محدود نکنید... به هنگام کودکی، باور داریم که روزی رئیس‌جمهور یا یک هنرمند و یا یک محقق بزرگ خواهیم شد اما در بزرگی، به دور این خیالات، حصار می‌کشیم.

بدون محدودیت رفتار کنید... کودکان از اعماق وجودشان سخن می‌گویند و ما بزرگسالان هم باید سعی کنیم بیش تر این گونه باشیم.

مردم و شرایط را درک کنید... کودکان می‌توانند نشانه‌های موفقیت در گذشته را ببینند و به اعماق وجود انسان‌ها پی ببرند. هرچه بزرگ‌تر می‌شویم، بیش تر روی مردم برجسب می‌زنیم.

خلاقیت و قدرت تخیل خود را بالا ببرید... فیلسوف بزرگی می‌گوید: «نبوغ، کودکی‌ست که به خواست خود، به اسارت درآمده است.» تخیل و خلاقیتی که ما در ۵ سالگی داشتیم، در ۱۵ سالگی شروع به از بین رفتن می‌کند.

اگر دوست دارید نگرش خود را دوباره شعله‌ور سازید، اگر می‌خواهید احساسات و خلاقیت خود را دوباره بیدار کنید، تمرین کنید تا تفکری کودکانه داشته باشید.

مک اندرسون / رضا رنجبری - هدا هراتی



به انتخاب: زهرا مرزبان
کارشناس علوم تربیتی
مدرس آموزش خانواده

دوسال پیش، در یک آخر هفته، «کالین» خواهرزاده‌ی ۵ ساله‌ام با من بود و با هم، بازی مورد علاقه‌ی او یعنی «خرچنگ گول‌پیکر» را بازی می‌کردیم. من خرچنگ گول‌پیکر بودم که با انبرهایم گاز می‌گرفتم. وقتی داشتیم کشتی می‌گرفتیم، «کالین» ناگهان با چشمان دوست‌داشتنی‌اش به پوست زیر گردن من که به دلیل کهولت سن، کمی شل و آویزان شده بود، نگاهی انداخت و با لحنی کودکانه و معصومانه گفت: «دایی مک، پوست شما برای بدن‌تان خیلی بزرگه!» من خندیدم و با خودم گفتم: «این یک تفکر کودکانه است.»

هفته‌ی پیش با «تام اساکر»، سخنران و نویسنده در یک همایش، ملاقات داشتم. بعد از سخنرانی من، او آمد و یک نسخه از کتاب خود را با عنوان «تفکر کودکانه» به من داد. گاهی یک کتاب می‌تواند طرز تفکر شما را تغییر دهد و این هم از همان وقت‌ها بود. «تام» با طرح یک داستان زیبا و ساده و چندین حقیقت ساده، به روشنی به تشریح این موضوع پرداخته که تا چه اندازه روابط انسان‌ها، دارای اهمیت است و چگونه زندگی و کسب و کار، به دنبال آن می‌باشند.

بیان داستان‌های عقل سلیم از منظر یک کودک، به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توانیم کار، روابط و زندگی‌مان را احیا کنیم. برای مثال حس کنجکاوی و معصومیت «کالین» باعث شد این حرف را بزند.

بیباید به دوران کودکی خود سری بزنیم تا ببینیم به‌عنوان یک بزرگسال، چه چیزی را باید در وجود خود دوباره شعله‌ور کنیم. برای حفظ روح کودکانه، باید شادی، خنده و اشتیاق را در وجود خود زنده نگاه داریم. هرچه بزرگ‌تر می‌شویم، در کارها جدی‌تر